

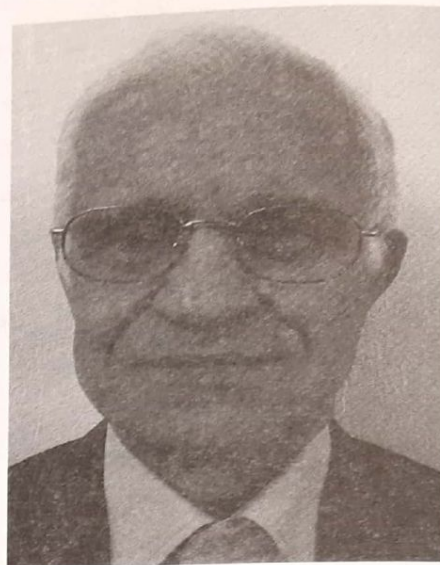


مصاحبه با محسن لوح موسوی «استاد زبان اشاره»

مصاحبه

از فعالیت هنری خودتان بگویید.

از سن ۱۲ سالگی پانتومیم بازی می کردم چون ناشنوایان با حرکات بدن خیلی سروکار دارند من در این زمینه موفق بودم. زنگ های تفریح در حیات مدرسه همه دور من جمع می شدند و برای آنها پانتومیم بازی می کردم تا اینکه در سن ۱۴ سالگی توجه پروانه خانم، دختر جبار باغچه بان را جلب کردم. پروانه خانم نمایشنامه می نوشت و من طبق نمایشنامه پانتومیم بازی می کردم و اجرای من موضوع پیدا کرد. به طور رسمی از ۱۴ تا ۳۴ سالگی سرگرم پانتومیم بودم. در انجمن فکری کودکان و نوجوانان تئاتر «انقلاب و شاه» اجرا کردم که تماشاچیان زیادی از آن استقبال کردند و این اجرا بلیط فروشی بود. سال ۱۳۶۰ سازمان صدا و سیما از من



دعوت کرد که در برنامه ای برای کودکان پانتومیم بازی کنم. اسم این برنامه «امید تازه» بود و هر هفته یک روز این برنامه اجرا می شد و مختص کودکان ناشنوا بود. اما متأسفانه این برنامه دو ماه بیشتر اجرا نشد و به علت نبود بودجه پخش این برنامه متوقف شد. کلاً ۱۰ قسمت پخش شد.

از فعالیتتان در خانه فرهنگ جوانان ناشنوا بگویید؟

سال ۱۳۴۹ خانه فرهنگ جوانان ناشنوا تأسیس شد. بنیان گذار این خانه بنده و کامران رحیمی بودیم. من از سال ۴۹ تا ۵۸ مشغول فعالیت در این خانه فرهنگ بودم. سال ۱۳۵۰ وقتی سازمان رفاه ناشنوایان تأسیس شد که مدیر این سازمان خانم ثمینه باغچه بان بود، به خانه فرهنگ کمک مالی می کرد و پشتیبان این خانه فرهنگ بود. (ساختمان خانه فرهنگ اجاره ای بود). سال ۱۳۵۸ ریاست دفتر فرهنگ رضا محمودی دادم و یک سال ریاست را بر عهده داشتند چون در اوایل انقلاب بودیم و عدم حمایت مالی از موسسه وعدم کارآیی لازم خانه فرهنگ در سال ۵۹ منحل شد.

از سازمان رفاه ناشنوایان اسم بردید، بیشتر توضیح بدهید؟

سال ۱۳۵۰ این سازمان توسط ثمینه باغچه بان تأسیس شد و تا

بعضی از افراد در بین جامعه ناشنوایان چهره های شناخته شده ای هستند «محسن لوح موسوی» یکی از این افراد است کسی که علاوه بر اینکه جامعه ناشنوایان ایشان را به خوبی می شناسند، در بین عموم مردم ایران هم چهره ای آشناست موسوی کسی است که در دهه ۶۰ و ۷۰ گوینده اخبار ناشنوایان بود، آن روزهایی که تلویزیون دو کانال بیشتر نداشت با این چهره آشنا و محبوب ناشنوایان به گفتگو نشستیم. وقتی از ایشان خواستیم که برای نشریه مان یک مصاحبه داشته باشیم باروی خوش دعوت ما را پذیرفت و به اصفهان آمدند در همان دیدار اولش با اعضای انجمن حس انسان دوستی در چهره اش پیدا بود. ناگفته های زیادی داشت که مهمترین صحبت های ایشان را در این مصاحبه می خوانید:

از دوران کودکی خود بر ایمان بگویید و علت ناشنوایی شما چی بوده است؟

علت ناشنوایی من مادرزادی است. یک برادر بزرگتر داشتم که اونم ناشنوا بود. من با برادرم دو سال اختلاف سنی داشتم. سال ۱۳۳۵ برادرم حسین وارد مدرسه باغچه بان واقع در میدان فردوسی شد و چون این محیط برایش ناآشنا بود مادرم به مدت یک ماه هر روز همراه برادرم به مدرسه می رفت تا عادت کند. بعد از یک سال جبار باغچه بان کلاس گفتار درمانی گذاشت و خوشبختانه حسین توانست به خوبی حروف و کلمات را ادا کند و اشک شوق از چشمان مادرم جاری شد. من متولد سال ۱۳۳۰ هستم و سال ۱۳۳۷ وارد مدرسه باغچه بان شدم و پشتیبان من برادرم بود. سال ۱۳۳۸ به منطقه یوسف آباد منتقل شدیم. در این منطقه توسط جامعه حمایت از حقوق کودکان معلول مدرسه مختص ناشنوایان ساخته شد.



سال ۱۳۵۸ سمت مدیر را برعهده داشتند. سال ۱۳۵۸ این سازمان با سازمان بهزیستی ادغام شد. در دوران ۸ سال که سازمان رفاه برپا بود، ثمینه باغچه بان از کارمندان جوان و کارمندان بازنشسته دعوت کرد که در اداره‌ی این سازمان همکاری کنند. کار اصلی این سازمان کاربایی برای ناشنوایان و پیگیری برای صدور کارت معافیت برای پسران بود. خوبی این سازمان این بود که فقط برای ناشنوایان بود و ثمینه باغچه بان خیلی خوب ناشنوایان را می‌شناخت و حتی زبان اشاره را به خوبی بلد بود اما وقتی با سازمان بهزیستی ادغام شد متأسفانه جامعه ناشنوایان برای سازمان بهزیستی ناشناخته بود و زبان اشاره بلد نبودند. ریاست رفاه ده ساله بود و می‌توانستند به خوبی قانون را اجرا کنند اما ریاست سازمان بهزیستی معمولاً دو ساله بود و هر دو سال قانون عوض می‌شد و به خوبی کارها پیش نمی‌رفت. قبل از انقلاب در تعطیلات تابستانه ثمینه باغچه بان به معلم زبان اشاره یاد می‌داد و این باعث یکنواختی زبان اشاره در سراسر ایران می‌شد و همه به خوبی زبان اشاره را یاد می‌گرفتند و حتی ایرادات خود را برطرف می‌کردند. متأسفانه بعد از انقلاب این جور برنامه‌ها دیگر اجرا نشد. چون با زبان اشاره مخالف بودند.

پنج شنبه ساعت ۴ اخبار ناشنوایان پخش می‌شود» گفتند آزمایشی است اما فردایش همین یک جمله را پخش کردند و این شد که پنج شنبه‌ها هر هفته ساعت ۴ اخبار پخش می‌شد و بعدها به روز جمعه تغییر یافت. وقتی گویندگی اخبار ناشنوایان را برعهده داشتیم، مخالفان نامه‌ی تهمت آمیز برای من می‌فرستادند چون با زبان اشاره آشنایی نداشتند و نمی‌دانستند این زبان، زبان رسمی ناشنوایان است و تنها راه ارتباطی بین ناشنوایان است. با وجود مخالف ها، این برنامه ادامه داشت و من کار خود را ادامه می‌دادم. سختی این کار خیلی برای من زیاد بود از رئیس سازمان تقاضا کردم که دو نفر دیگر را هم به تیم اضافه کنند اما مخالفت کردند تا اینکه نامه از فدراسیون جهانی ناشنوایان آمد و از من برای کنگره فنلاند دعوت کرد و اینجا بود که مجبور شدند دو نفر دیگر را برای گویندگی اخبار ناشنوایان بپذیرند. این دو نفر مرتضی پیروزی و رضا محمودی بودند.

از روزهای سخته در دوران گویندگی اخبار ناشنوایان به یک مورد اشاره می‌کنم که مربوط به سال ۱۳۶۸ بود که یک خانواده شهید به رئیس وقت مجلس آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نامه نوشته بود و گفته چرا روزهای جمعه در شبکه دو برنامه رقص گذاشتند؟! آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هم که درک خوبی داشتند نامه را به صدا و سیما فرستادند چون نظرشان این بود که این نامه ربطی به ما ندارد خوشبختانه برادرش محمد هاشمی هم رئیس صدا و سیما بود مرا به اتفاق خانم بهادری دعوت کردند و توضیحات کامل دادیم که خوشبختانه مشکل حل شد.

مورد دیگر هم مخالفت‌های شدید آموزش و پرورش استثنایی بود که می‌خواستند زبان اشاره را به کلی از ناشنوا بگیرند حال چه برسد به اینکه ما اخبار ناشنوایان یا کمیته زبان اشاره یا تدریس زبان اشاره داشته باشیم ولیکن به لطف خدا موفق بودیم چون خواست خود ما ناشنوایان بود.

عرض نمودید که آموزش و پرورش مخالف شدید زبان اشاره بود می‌شود بیشتر توضیح بدهید؟

در سال ۱۳۶۴ تازه از مکه آمده بودم. حاجی بودم که صدا و سیما نامه‌ای به بهزیستی نوشتند که برای همکاری و راه اندازی اخبار ناشنوایان آمادگی داریم. این شد که مرا به صدا و سیما معرفی کردند خودم مخالف بودم و مخصوصاً مادرم که می‌گفت دیگر پانتومیم بازی نکن چون درشان شما نیست. در این سن و سال پانتومیم بازی کنی خلاصه بهزیستی خیلی اصرار کرد و منم تنها رفتم صدا و سیما قسمت حراست و قسمت مدیریت سیاسی، قبل از ورود کلی ما را کنترل کردند حتی سمعکم را کنترل کردند کمی نگران شدم و حس خوبی نداشتم احساس پشیمانی کردم که چرا به اینجا آمده‌ام مرا به دفتر مدیر سیاسی راهنمایی کردند. در همان برخورد اول خیلی محترمانه و با لبخوانی شمرده صحبت کردند که مایه آرامشم شد، از من خواستند که گوینده اخبار ناشنوایان باشم بنده گفته گویندگی اخبار ناشنوایان سخت است و من تلفظ خوبی ندارم که ایشان گفته مشکلی نیست چند تا سوال کردند که دیدم سخت است گفتم اجازه بدهید با مترجم خدمت برسیم و دو روز بعد با خانم محمدپور و حبیب تهرانی رفتیم آنجا و بعد از صحبت‌های اولیه گفتم صدا را چه کنیم او هم گفت خودم درست می‌کنم بعد برای آزمایش چند خبر سیاسی را جلوی میز گذاشت و گفت اشاره کن دیدم اخبار کمی سنگین است و درک آن برای ناشنوایان سخت بود گفتم متن را سبک‌تر کنید قبول کردند به من گفتند بصورت آزمایش یک جمله بگو من گفتم: «سلام



با توجه به پیشرفت‌های علمی و پزشکی سوالی در مورد کاشت حلزون داریم نظر شما در این مورد چیست؟

ببینید پیشرفت‌های علمی در هر زمینه ای برای افراد جامعه در هر قشری مفید بوده به عنوان مثال تا همین چند سال پیش خیلی از کارشناسان مخالف زبان اشاره بودند اما حالا مخالفتی ندارند در مورد کاشت حلزون هم باید بگویم که هر عملی مزایا و معایبی دارد که باید به درستی تشخیص داده شود اگر تشخیص پزشکان دقیق باشد کاشت حلزون خیلی هم عالی است برای تشخیص به پزشکان متخصص زیادی نیاز است و اما اینجا تشخیص پزشکان فقط با پزشک گوش و خلق و بینی است. که بعضی از پزشکان به دور از انسانیت و در جهت منافع مالی‌شان خانواده‌های کودکان ناشنوا را به کاشت حلزون ترغیب می‌کنند که در آینده صدمات جبران ناپذیری به آنان وارد می‌کند بنده با اینکه در حوزه تخصص نبود ولی بنابر وجدانی که داشتم به بهزیستی اعتراض نمودم که چرا درصد کمک مالی شما برای کاشت بدون تشخیص است که بهزیستی هم گفتند نه اینطور نیست و به اساس تشخیص پزشکان حمایت می‌کنیم. در صورتیکه بنده بعضی از کودکان را دیده‌ام که بعد از کاشت تعادل خودشان را از دست داده‌اند. که بنده این کار را خیانت به زندگی و سلامت کودکان می‌دانم.

آقای موسوی شما سالها در جامعه ناشنوایان بوده‌اید و با مشکلات این قشر به خوبی آگاه هستید دلیل تحقیق نیافتن خواسته‌های ناشنوارا در چه می‌بینید؟

عدم هم صدایی و وحدت کلامی خود ما ناشنوایان عامل اصلی نرسیدن به حقمان است. به عنوان مثال زیرنویس شدن برنامه‌های صدا و سیما خواست همه ما بود که خوشبختانه در قانون جامع حمایت از حقوق معلولان لحاظ شده پس می‌بینید که خودمان باید برای رسیدن به حق و حقوق ناشنوا یکصدا مبارزه کنیم. هر ساله یا هر شش ماه باید همایش و جلسات مختلفی با روشنفکران ناشنوا برگزار شود و از نقطه نظرات همگان استفاده شود و مهمترین تصمیم را بگیریم و به کل جامعه ناشنوای ایران منتقل کنیم و کمیته ای هم برای پیگیری تشکیل شود.

مهمترین افراد برای مترجمی زبان اشاره چه کسانی هستند؟

از نظر من بهترین افراد برای این کار کودکان دارای والدین ناشنوا هستند، این کودکان از خردسال زبان پدر و مادرشان را می‌آموزند و به مرور زمان می‌توانند مترجم خوبی شوند به شرط آنکه نهادهای قانون‌گذار، دولت و حتی موسسات غیر دولتی از این افراد حمایت کنند

حذف دو واحد درس زبان اشاره در دانشگاه‌های شهید باهنر و شهید بهشتی از خاطرات تلخم بود.

که متوجه شدند ما چقدر عقب هستیم و تصمیمات کارشناسان ناشنوا خصوصاً آموزش و پرورش چقدر غلط است آنجا بود که قول دادند به‌خوبی از زبان اشاره حمایت کنند متأسفانه این حمایت‌ها یکسال بیشتر دوام نیاورد و رئیس بهزیستی عوض شدند این از مشکلات همیشگی ما بود چون دوران مدیریت مدیران کوتاه بود و نفوذ آموزش و پرورش هم زیاد بود. خوشبختانه به مرور زمان پیشرفت‌های علمی و تحقیقات مستمر ثابت نمود که زبان اشاره نیاز ضروری ناشنوایان در آموزش است و در حال حاضر با همکاری دکتر قدمی رئیس آموزش و پرورش استثنایی گام‌های خوبی برای تربیت معلمان ناشنوا به منظور آشنایی با روش‌هایی ارتباطی و زبان اشاره برداشته شده است.

از چهار جلد کتاب که با عنوان زبان اشاره تهیه و تألیف نمودید بگوئید؟

به نکته خوبی اشاره کردید، چهار جلد کتاب کاری از کمیته پژوهش و توسعه زبان اشاره، گروه آموزش و توانبخشی ناشنوایان بود که خیلی‌ها در تألیف این کتاب‌ها با بنده و خانم بهادری همکاری داشته فاطمه آقا محمد، رضاقلی شهیدی، رضا محمودی، مرتضی پیروزی، حبیب‌تهرانی زاده، مرضیه آقاخانی، پریسا کرمانی زاده، طاهره محمد پور، اکرم حاج اکبری، الهه قاسمی شاد، بهناز نسوادران و... از جمله این افراد بودند.

شما به کشورهای مختلفی سفر نمودید و در کنفرانس‌های مختلفی شرکت داشتید بهترین تجربه‌ای که در این سفرها به دست آوردید چه بود؟

مهمترین کنفرانس که در آن شرکت کردم کنفرانس سوئد بود آنجا بود که متوجه شدم مسئولان سوئد دو واحد درسی زبان اشاره را اجباری در دانشگاهها گنجانده‌اند و دانشجویان باید این دو واحد درسی را پاس کنند. این شد که در بازگشت از سوئد با پیگیری بنده و خانم بهادری موفق شدیم. در دانشگاه شهید باهنر و شهید بهشتی دو واحد درسی بصورت اختیاری برای دانشجویان در نظر بگیریم که یک سال ادامه داشت و دانشجویان به خوبی استقبال کردند و تصمیم داشتیم که این روش را به دانشگاه‌های دیگر هم ارائه دهیم اما باز هم آموزش و پرورش کارشکنی کرد که این دو واحد درسی را هم ممنوع کردند. انصافاً که خانم بهادری در این زمینه زحمت کشیدند اما همانطور که عرض کردم نفوذ آموزش و پرورش زیاد بود، و مانع شدند، که این یکی از خاطرات تلخم بود تجربه دیگر بنده هم استفاده از آرم ناشنوا بود که برای اولین بار نشریه‌ای از فدراسیون جهانی بدستم رسید و بنده این آرم را برای استفاده از علائم ویژه ناشنوایان در خودروها پیشنهاد دادم که کم کم جا افتاد و همینطور تابلوی محل عبور و مرور کودکان ناشنوا بود.

بزرگترین آروزهای شما برای جامعه ناشنوایان؟

فعالیت مطلوب تشکلهای ناشنوایان همچون کانون‌ها و انجمن‌ها و انجمن مترجمین زبان اشاره از آرزوهای بنده است.

از اینکه زحمت کشیدید تشریف آورید اصفهان و وقت‌تان را برای مصاحبه با نشریه گذاشتید صمیمانه سپاسگذاریم.

اگر حرف ناگفته‌ای دارید بیان کنید ممنون می‌شوم؟

بنده از حضور در جمع افراد علاقمند به فعالیت همچون عزیزان ناشنوای انجمن خانواده اصفهان و آشنایی با شما خوشحال شدم. بیشترین تاکید بنده بر انسان دوستی و محبت است. چرا که زمان زود می‌گذرد و شایسته است که رفتار و کردارمان به اساس انسانیت و انسان دوستی استوار باشد.

از مهمترین فعالیت‌هایی که در کمیته آموزشی و توسعه زبان اشاره فارسی به هدایت و نظارت استاد موسوی صورت گرفته است می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- تدوین و تألیف و انتشار فرهنگ زبان اشاره برای ناشنوایان سال ۱۳۵۹

- تدوین کتاب مهمانی‌های ناخوانده به زبان اشاره فارسی سال ۱۳۵۹

- آشنایی با مجموعه اشارات ناشنوایان سال ۱۳۶۴

- ترجمه و تدوین داستان شعر دویدم و دویدم به زبان اشاره فارسی سال ۱۳۶۶

- مجموعه اشارات ناشنوایان جلد اول سال ۱۳۶۸

- زبان اشاره فارسی جلد دوم سال ۱۳۷۶

- زبان اشاره فارسی جلد سوم سال ۱۳۷۸

- زبان اشاره فارسی جلد چهارم سال ۱۳۸۳

- زبان آموزی به کودک ناشنوا سال ۱۳۷۷

- آموزش خیاطی برای ناشنوایان سال ۱۳۷۷

- آموزش تراشکاری برای ناشنوایان سال ۱۳۸۲

- فیلم حقوق جهانی کودک به زبان اشاره

- فیلم داستان فسقلی به زبان اشاره

- فیلم آموزشی شیر پاستوریزه به زبان اشاره

- فیلم آموزشی برای سواد آموزی ناشنوایان

- فیلم کتاب سوم زبان اشاره

- فیلم کتاب چهارم زبان اشاره

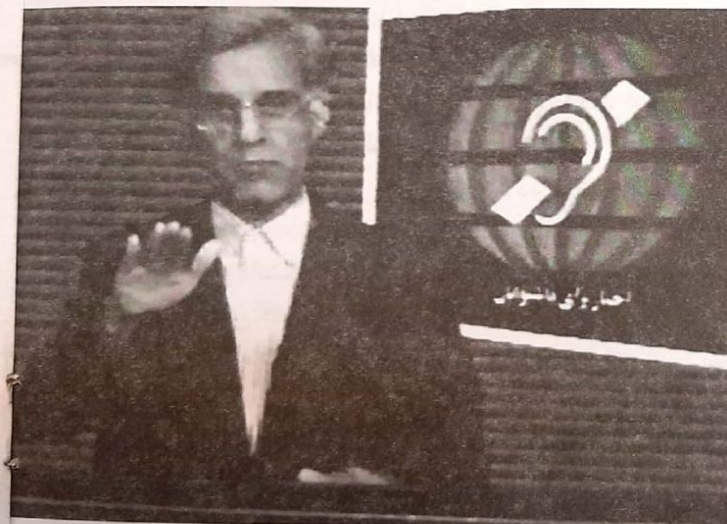
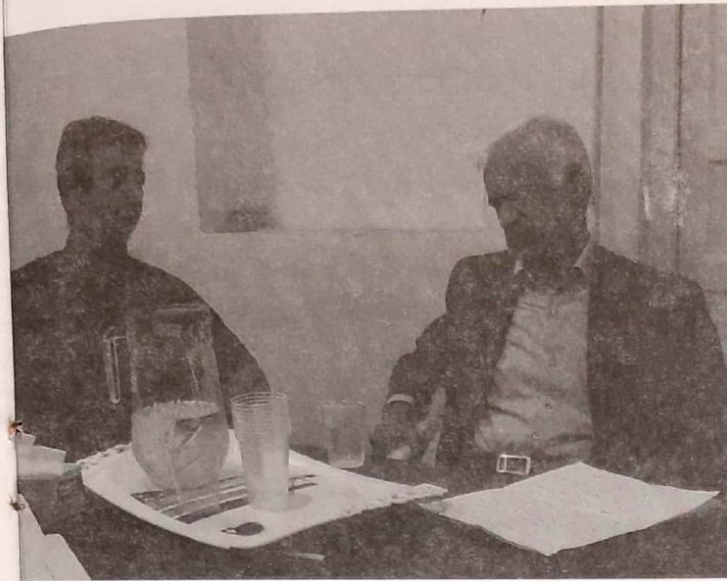
- تدریس واحدهای مربوط به زبان اشاره در دوره‌های مختلف ادیولوژی، گفتاردرمانی و دیگر رشته‌های مربوط

- تدریس زبان اشاره فارسی به مربیان، معلمان و دانشجویان متعاقد چاپ هر کتاب در تهران و مراکز استانها

- برگزاری دوره‌های بازآموزی زبان اشاره فارسی مربیان و کارشناسان سازمان بهزیستی و سازمان کودکان استثنایی سراسر کشور

- برگزاری سمینار «بررسی روشهای آموزش ناشنوایان» به صورت بین‌المللی در اردیبهشت ۱۳۷۵

- شرکت در سمینارهای خارجی به دعوت فدراسیون جهانی ناشنوایان World Federation of Deaf



با آرزوی سلامتی و طول عمر برای استاد محسن لوح موسوی

